

والله اعز

نامه رسیده است بر من الهام خیر و خواندنی بود. نظراتی که پیرایون سر
 «فرزند ققنوس» داشتی در جاهائی برایم پذیرفتنی است. هرگاه با درستی نامه
 محله آدرینه هم آمده که همین سر را چاپ کرده است. یعنی سر دستر جافتار را
 آن نامه پیشتر در کتابت تصدیق کردم تا وقتی خودم سر را در کتابت چاپ کنم از آن بهره
 ببرم. چون این نامه را همراه با حجد زعفران و هندواریک برایان ما فرستادم از
 ارسال سر خود را میگویم. بعداً در تدویم کتابت آن برایت سرها تازه خودم
 فرستاد. این روزها مشغول سرویس مال داران به کارها روزمره هستم. طی میگرد
 لغفته آئینه باید بتوانم بنشینم و بکارها جدیدی بپردازم. تا وقت مناسبتر از این
 منتشر شده است. تا زمانه تا کنون به دست خودم نرسیده است. اگر آید برایت
 خواهم فرستاد. اسمیل خوبی شاعر خوبان هم لطف کرده و کتاب تازه سر را برایم
 فرستاده است. برایش امروز نامه خواهم نوشت. چنانکه نوشتیم تا عید امسال
 تیر به برانم کتابت خاصه سر را تمام کنم که در سال آئینه بهم بر چاپ. خوشبختانه
 چاپ اشعار و نوشته هایم در ایران اراده دارد. هنوز خوب جا نیفتاده. بهر حال که
 میترسند. حق هم دارند. همکارانمان در ایران در بهترین شرایط اختناق و تنگدستی
 سره برنده اغلبشان در زمانه ها به دشواری مالی شان اشاره دارند. قلب من
 فشرده می شود. دریغ که وضع ما بهتر از آنها نیست.

کماکان ما یلیم به نفع و بر سر اشعار و کتابت دیگر اراده بهمیم. آنرا بسیار سازنده
 و مفید دانم. بویژه که به درین باره هم صلاح است هم دانسته باشیم. برایم
 از سرهایت بفرستید.

«سازمین هستی بهار» به آملانی و دانمارکی در دست چاپ است. بکینا
 آملانی خواسته است ترجمه شعرهایم را برایش بفرستیم که اگر پسندید به صورت کتاب
 چاپ کند. بنابراین چقدر رتبه دیدار مال هستم. در دلتوازیان را ما ببریم.